

برنامه درسی تفکر در دوره ابتدایی (مبتنی بر دیدگاه دبونو)

نویسنده

دکتر حسین عباسی

با مقدمه

دکتر عزت اله نادری و دکتر مریم سیف نراقی



نشر واثیا

سرشناسه	: عباسی، حسین، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: برنامه درسی تفکر در دوره ابتدایی (مبتنی بر دیدگاه دبونو) // نویسنده حسین عباسی؛ با مقدمه عزت‌اله نادری و مریم سیف‌نراقی.
مشخصات نشر	: تهران : وائیا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۹۶-۳۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: دبونو، ادوارد، ۱۹۲۳ - م.
موضوع	: DE Bono, Edward
موضوع	: آموزش ابتدایی -- برنامه‌های درسی
موضوع	: Education, Elementary -- Curricula
موضوع	: اندیشه و تفکر
موضوع	: Thought and thinking
شناسه افزوده	: نادری، عزت الله، ۱۳۲۴ -
شناسه افزوده	: سیف نراقی، مریم، ۱۳۲۴ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ LB۱۵۷۰/ع۴ب۲
رده بندی دیویی	: ۱۹/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۵۹۷۹۱



برنامه درسی تفکر در دوره ابتدایی (مبتنی بر دیدگاه دبونو)

نویسنده: دکتر حسین عباسی
 ویراستار علمی: دکتر مسلم قبادیان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۹۶-۳۸-۰
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
 شمارگان: ۱۰۰۰
 نشر وائیا: خیابان فخررازی خیابان شهدای زاندارمری پلاک ۶۳ طبقه سوم واحد ۵
 تلفن: ۹۱۲۱۸۶۶۵۵۸-۶۶۹۶۱۱۶۳
 فروش اینترنتی www.ketab.ir
 ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست

۱۷	مقدمه
۲۳	فصل اول: مفهوم و ماهیت تفکر
۲۵	تعریف تفکر
۲۶	دیدگاه‌های مختلف درباره تفکر
۲۶	افلاطون
۲۶	دیویی
۲۶	دکارت
۲۷	توماس هابز
۲۷	تیچنر
۲۷	دیدگاه اسلام
۲۸	تفکر در برنامه درسی ملی
۲۸	دیدگاه دیونو درباره تفکر
۲۹	انواع تفکر از دیدگاه دیونو
۲۹	الف) مفهوم تفکر جانبی
۳۱	ب) مفهوم ابزارهای کورت
۳۲	ج) مفهوم شش کلاه تفکر
۳۷	فصل دوم: چگونگی آموزش و پرورش تفکر
۳۹	آموزش و پرورش تفکر
۴۱	دیدگاه مربیان بزرگ
۴۱	رومل هارت
۴۱	ریچارد یل
۴۱	جوینس
۴۲	جان دیویی
۴۳	آیزنر
۴۴	برایتر
۴۴	دیوید آزوبل
۴۵	هیلدا تابا
۴۶	دیدگاه دیونو درباره آموزش و پرورش تفکر
۴۷	۱) تفکر جانبی
۴۷	۲) ابزارهای cort
۵۲	۳) شش کلاه تفکر
۴۹	ضرورت و اهمیت پرورش تفکر و تعقل در برنامه درسی ملی

۵۳	فصل سوم: چگونگی طراحی برنامه درسی تفکر
۵۵	طراحی برنامه درسی
۵۶	عناصر برنامه درسی
۵۸	۱- اهداف
۶۰	۲- محتوا
۶۱	دیدگاه‌های اساسی در انتخاب محتوا
۶۲	ملاک‌های انتخاب محتوا
۶۳	۳- روش
۶۴	اصول انتخاب روش
۶۶	۴- ارزشیابی
۶۹	برنامه درسی ملی تفکر و تعقل
۷۰	چابگاه تفکر و تعقل در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
۷۲	تفکر دانش‌آموزان در دوره ابتدایی
۷۷	فصل چهارم: طراحی برنامه درسی تفکر مبتنی بر دیدگاه دبونو
۷۹	طراحی برنامه درسی مبتنی بر نظر دبونو
۷۹	دیدگاه حاکم بر برنامه درسی مبتنی بر تفکر دبونو
۸۱	مدل طراحی برنامه درسی تفکر بر اساس نظریه ادوارد دبونو
۸۴	اهداف
۸۴	اهداف تفکر جانبی
۸۵	اهداف ابزارهای کورت
۸۶	اهداف شش کلاه تفکر
۸۷	محتوا
۸۸	محتوا در تفکر جانبی
۸۹	محتوا در ابزارهای کورت
۹۰	محتوا در شش کلاه تفکر
۹۰	۱- کلاه سفید
۹۱	۲- کلاه قرمز
۹۱	۳- کلاه سیاه
۹۲	۴- کلاه زرد
۹۲	۵- تفکر خلاق - تفکر جانبی - کلاه سبز
۹۳	۶- کلاه آبی
۹۳	دیدگاه دبونو درباره روش
۹۳	۱) روش‌های تدریس تفکر جانبی
۹۴	الف) برانگیختن

۹۴	دریافتی
۹۵	وارون
۹۵	فرار
۹۵	فکر آرزومندانه
۹۶	ب) پی. ا.
۹۷	ج) حرکت
۹۸	۱- نگرش
۹۹	۲- لحظه به لحظه
۹۹	۳- استخراج اصول
۱۰۰	۴- تمرکز روی تفاوت‌ها
۱۰۰	۵- جستجو برای ارزش
۱۰۱	۶- جالب
۱۰۱	د) واژه‌ی تصادفی
۱۰۲	۱- انتخاب واژه‌ی تصادفی
۱۰۳	۲- فهرست واژه‌های تصادفی
۱۰۳	۳- کاربرد فن
۱۰۴	ه) شکل‌های هندسی
۱۰۵	و) تولید یا خلق طرح‌ها
۱۰۵	ز) تعویض قضاوت
۱۰۶	۲) روش تدریس ابزارهای کورت
۱۰۶	کورت ۱: وسعت نظر
۱۰۶	درس اول: پی.ام.آی. (PMI) مثبت، منفی و جالب
۱۰۷	درس دوم: (CAF) در نظر گرفتن تمام عوامل
۱۰۸	درس سوم: قوانین
۱۰۸	درس چهارم: (C&S) سی.اس. پیامد و نتیجه
۱۰۹	درس پنجم: AGO (هدفها، مقصودها، منظورها)
۱۰۹	درس ششم: برنامه‌ریزی
۱۱۰	درس هفتم: FIP (اولویت بندی)
۱۱۰	درس هشتم: APC (جایگزین‌ها، احتمال‌ها، انتخاب‌ها)
۱۱۱	درس نهم: تصمیم‌گیری
۱۱۱	درس دهم: OPV (دیدگاه دیگران)
۱۱۳	کورت ۲: سازمان
۱۱۳	درس یازدهم: شناخت
۱۱۳	درس دوازدهم: تحلیل

۱۱۴	درس سیزدهم : مقایسه
۱۱۴	درس چهاردهم : انتخاب کردن
۱۱۵	درس پانزدهم : جستجوی راه‌های دیگر
۱۱۵	درس شانزدهم : شروع کردن
۱۱۶	درس هفدهم : ساختار بندی موضوع
۱۱۶	درس هجدهم : تمرکز
۱۱۷	درس نوزدهم : تثبیت
۱۱۷	درس بیستم : مشخص کردن نقطه پایان
۱۱۸	کورت سوم : روابط متقابل
۱۱۸	درس بیست و یکم : EBS (بررسی هر دو طرف موضوع)
۱۱۸	درس بیست و دوم : شواهد - نوع
۱۱۹	درس بیست و سوم : شواهد - ارزش
۱۲۰	درس بیست و چهارم : شواهد - ساختار
۱۲۰	درس بیست و پنجم : ADI (موافقت ، مخالفت ، بی ربطی)
۱۲۱	درس بیست و ششم : حق به جانب بودن ۱
۱۲۲	درس بیست و هفتم : حق به جانب بودن ۲
۱۲۲	درس بیست و هشتم : در اشتباه بودن ۱
۱۲۳	درس بیست و نهم : در اشتباه بودن ۲
۱۲۴	درس سیام : نتیجه گیری
۱۲۵	کورت چهارم : خلاقیت
۱۲۵	درس سی و یکم : روش آره یا نه یا پو
۱۲۵	درس سی و دوم : روش ساختن جای پا
۱۲۶	درس سی و سوم : انگیزش اتفاقی
۱۲۶	درس سی و چهارم : زیر سوال بردن عادت ها
۱۲۷	درس سی و پنجم : ایده غالب
۱۲۷	درس سی و ششم : تعریف دقیق مسأله
۱۲۸	درس سی و هفتم : پیدا کردن اشتباهات و اصلاح آن ها
۱۲۸	درس سی و هشتم : ترکیب
۱۲۹	درس سی و نهم : نیازهای اساسی
۱۲۹	درس چهلم : ارزیابی
۱۳۰	کورت پنجم : درس تفکر با اطلاعات علمی مربوط
۱۳۰	درس چهل و یکم : اطلاعات
۱۳۰	درس چهل و دوم : سؤالات
۱۳۰	درس چهل و سوم : سرخ

۱۳۰	درس چهل و چهارم : تضادها
۱۳۱	درس چهل و پنجم : حدس زدن
۱۳۱	درس چهل و ششم : اعتقاد
۱۳۱	درس چهل و هفتم : حاضر و آماده
۱۳۲	درس چهل و هشتم : احساسات و EGO
۱۳۲	درس چهل و نهم : ارزش ها
۱۳۲	درس پنجاهم : ساده سازی و روشن شدن
۱۳۳	کورت ششم : عمل
۱۳۳	درس پنجاه و یکم : هدف
۱۳۳	درس پنجاه و دوم : گسترش یا باز کردن
۱۳۴	درس پنجاه و سوم : بستن یا قرارداد
۱۳۴	درس پنجاه و چهارم : هدف ، گسترش ، بستن
۱۳۴	درس پنجاه و پنجم : هدف
۱۳۴	درس پنجاه و ششم : ورودی
۱۳۵	درس پنجاه و هفتم : راه حل
۱۳۵	درس پنجاه و هشتم : انتخاب
۱۳۶	درس پنجاه و نهم : عملیات
۱۳۶	درس شصتم : انجام فرآیند TEC – PISCO
۱۳۶	۳) روش تدریس شش کلاه تفکر
۱۳۹	به کارگیری کلاهها در کلاس درس تفکر
۱۳۹	الف) کلاه سفید
۱۴۰	ب) کلاه سیاه
۱۴۲	ج) کلاه زرد
۱۴۴	د) کلاه قرمز
۱۴۵	ه) کلاه سبز
۱۴۷	ز) کلاه آبی
۱۴۸	تدریس با تمام کلاهها در کلاس
۱۵۰	دیدگاه دیونو درباره ارزشیابی
۱۵۱	روش ارزشیابی
۱۵۷	منابع

بسمه تعالی

آن چه در نظام آموزشی ما مورد غفلت قرار دارد، همانا «اندیشیدن و چگونگی درست اندیشیدن» است. زیرا اغلب ما معلمان در توجیه حضور خود در کلاس درس با مشکل روبرو هستیم. به عبارت دیگر، هدف از حضورمان در کلاس درس به درستی درک نشده و یا حداقل شفاف نیست. برخی از ما که احتمالاً زحمات زیادی در کلاس متحمل می‌شویم، یا درگیر جدی آگاهی دادن و خبررسانی به فراگیران در زمینه‌ای ویژه هستیم و یا با بی‌قراری در یاد دادن مهارتی خاص می‌کوشیم.

لذا، بطور معمول آن چه هدف غائی و طلایی آموزش و پرورش است مفقود می‌ماند و آن چیزی جز «تربیت» نیست. به سخن دیگر، کمترین تلاش در جهت استقرار، تقویت و شفاف سازی آن صفاتی می‌شود که با فطرت و عقل هماهنگ است و فاغ از قید زمان و مکان می‌باشد و برای حیات مثبت و مؤثر فرد مفید و ضروری است.^۱

یکی از عمده‌ترین این ویژگی‌ها، «تفکر کردن و چگونگی درست تفکر کردن» است، که این مهم را در نظام آموزشی فعلی ما نه به فراگیران یاد می‌دهند و نه با وی تمرین می‌کنند. بنابراین، فراگیر مادام‌العمر با مشکلاتی چون: «تعیین هدف»، «مشخص کردن مسیر برای رسیدن به هدف» و نیز «چگونگی طی این مسیر» در زندگی مواجه است.

ما بسیار خرسندیم که یکی از فرزندان فهیم این مرز و بوم (جناب آقای دکتر حسین عباسی) با پیگیری آن چه آموخته، اکنون با دلی امیدوار به فکر تحقق عملی اشاعه راهکاری ساده برای یادگیری و تمرین در راه دست یازیدن به تفکر قیام نموده و کتابی در این زمینه فراهم آورده است. امیدواریم در ادامه این راه موفق و مؤید باشند.

والسلام

دکتر عزت اله نادری - دکتر مریم سیف نراقی

بهار ۱۳۹۶

۱ - ناگفته نماند که «تربیت» تنها از طریق بهره‌گیری از «آموزش» مقدور است.

اگرچه تمدن و فرهنگ بشری نتیجه تلاش همه آدمیان در تمام دوران هاست. اما غنا و عظمت آن را مدیون گروه کوچکی از انسانها هستیم که کاشف، مخترع، هنرمند یا متفکر نامیده می‌شوند. از کشف آتش تا اختراع رادیو و سفینه‌های فضایی، از نقاشی‌های دیواری در غارها تا آثار هنرمندانی نظیر کمال الملک و از اولین آثار مکتوب نوشته‌ها و سروده‌های فردوسی همه محصول کار و اندیشه‌ی جمعی از افراد بشر است. تمدن بشر مرهون اندیشه خلاق آدمی بوده و دوام آن نیز بدون بهره‌گیری از خلاقیت که عالی‌ترین عملکرد ذهن انسان محسوب می‌شود، غیر ممکن خواهد بود. نکته حائز اهمیت آن است که اندیشه‌های حاصل از خلاقیت (پردازش متفکرانه اطلاعات) باید به گونه‌ای پرورش یابد که در ارتباط با شرایط دنیای واقعی به نوآوری در آموزش و پرورش بینجامد. تا قرن اخیر، بسیاری بر این باور بودند که ابداع و خلاقیت یک خصوصیت ذاتی است و برخی افراد با این توانایی متولد می‌شوند. امروزه ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به اندازه‌ی حافظه عمومی دارد و می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. این رسالت بزرگ را مدارس بر عهده دارند و در مدارس، این وظیفه را معلمین با روش‌های تدریس مناسب، برخورد شایسته، همچنین به‌کارگیری به موقع سایر عوامل می‌توانند تحقق بخشند. یکی از اهدافی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد، پرورش توانایی تفکر در یادگیرندگان (دانش‌آموزان) است.

موفقیت انسان‌ها بیش از آنکه به میزان هوش آنها بستگی داشته باشد به میزان تفکر آنها بستگی دارد. موفقیت‌ها به میزان تفکر شخص بستگی دارد. مهارت تفکر انتقادی و خلاق لازمه دنیای مدرن است و تفکر خلاق منحصر به افراد فوق العاده نیست بلکه همه می‌توانند از این مهارت در کار و زندگی خود استفاده نمایند. مدیران آموزشی نیز در فعالیتهای خود در نظام آموزشی می‌توانند از آن بهره‌گیرند.

آینده هر کشور و سرنوشت هر ملتی، بستگی مستقیم به کیفیت تعلیم و تربیت و چگونگی تأثیرگذاری نظام آموزش و پرورش آن کشور دارد. تربیت منابع انسانی و شکوفایی استعدادها و آماده‌سازی نسل جوان برای کسب مهارت‌های زندگی از اهم وظایف و مأموریت‌های آموزش و پرورش بشمار می‌آید.

در نظام آموزشی ما، متناسب با اهمیت اندیشه و نقش سرنوشت ساز آن در حال و آینده‌ی فراگیران، به تفکر بهای لازم داده نشده و کماکان مهارت‌های فکری به گونه‌ای مشخص و روشنی در زمره‌ی برنامه‌های جاری آموزش و پرورش در نیامده است. ضرورت تدریس درست اندیشی، تفکر خلاق و مهارت‌های آن در دوران کودکی، مهد کودک، دبستان، دوره راهنمایی، دبیرستان تا دانشگاه در قالب آموزش و پرورش رسمی و مستقیم نیز، رسانه‌های جمعی در قالب آموزش و پرورش غیر رسمی و غیرمستقیم، کاملاً مشهود است. استفاده و گسترش صلاحیت‌های تفکر برای رشد دانش‌آموزانی که به طور فزاینده در حال روبرو شدن با جهان فناوری و طبعاً جهانی گسترده اند، حیاتی است. تصویری که از اهداف علمی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و اخلاقی در چشم انداز بیست ساله‌ی کشور ترسیم شده است و فرایندی که در نقشه جامع علمی کشور و سند راهبردی پیش بینی شده، نیازمند تربیت نسلی فکور و اندیشمند است نسلی که تصمیم گیری بر مبنای تفکر و خردورزی در بیشتر فعالیتهایش دیده شود و زندگی فردی و اجتماعی خود را بر این اساس سامان دهد. سیمای انسان مطلوب در سند ملی به گونه‌ای ترسیم گردیده است که کسب مهارت‌های مختلف تفکر ضرورت تام دارد. لذا برنامه درسی باید بر اساس این چشم انداز تدوین شود.

بیشتر مدارس شیوه‌ی تفکر را بطور کلی آموزش نمی‌دهند، برخی از مدارس، مهارت‌هایی مانند اطلاعات دادن، طبقه بندی واکاوی اطلاعات را آموزش می‌دهند. بیشتر افراد دست اندرکار آموزش و پرورش و بسیاری افراد در جاهای دیگر همیشه بر این باور بوده‌اند که تفکر را نمی‌توان مستقیم آموزش داد. اما تجربه و پژوهش نشان می‌دهد که مهارت‌های تفکر را می‌توان بطور مستقیم آموزش داد چون ما زمان زیادی را برای تفکر درباره‌ی چیزها صرف می‌کنیم به این معنی نیست که مهارت فکری ما نیز خود به خود پیشرفت کند. برای خلاقیت، طراحی و نوآوری به تفکر نیاز داریم. در مدرسه، ارائه تمرین ها، کتاب و مطالب دیگر به دانش‌آموزان، کاری بسیار عملی است. سپس از دانش‌آموزان خواستار واکنش نسبت به این مطلب هستیم به همین دلیل تقریباً تمامی آموزش تفکر در مدارس، واکنشی است. شما نمی‌توانید به آسانی از دانش‌آموزان بخواهید یک مسئله واقعی را حل کنند یا یک طرح واقعی را به انجام برسانند در محیط مدارس این کارها عملی نیست. مدرسه و آموزش و پرورش یک بازی خود به خودی نیست. زندگی حقیقی به میزان زیادی به فکر پویا بستگی

دارد. این بدین معنی است که باید بیرون رفت و کار انجام داد. در زندگی واقعی، تمام اطلاعات به شما داده نمی‌شود. شما باید آنها را بیابید پس فکر واکنشی لازم است اما کافی نیست و آموزش و پرورش باید چاره‌ای اساسی ببیند.

سند چشم انداز بیست ساله نیز بیانگر این واقعیات است که یک عنوان درسی به نام تفکر باید در برنامه درسی باشد که بیانگر اهمیت و ضرورت این موضوع در تعلیم و تربیت است. بنابراین پرورش تفکر ضرورت پیدا می‌کند، در این میان نظریات مختلفی درباره تفکر ارائه گردیده که نظریه ادوارد دبنو در خصوص پرورش مهارت‌های تفکر از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا برنامه‌های خاص ایشان طبق کارهای تحقیقاتی محققان و خود ایشان بیانگر اهمیت این موضوع در تعلیم و تربیت است.

دبنو می‌گوید در تفکر اغلب می‌کوشیم در یک زمان چند کار را با هم انجام دهیم و نظر نوینی را ارائه دهیم، برای اطمینان از تاثیر و کارآمدی نظرمات می‌کوشیم. ما همه اینها را کم و بیش انجام می‌دهیم و شگفت آور نیست که گاهی دچار سرگیجه شویم. پس می‌توان گفت که فن و اصول اندیشیدن تقریباً برای دانش‌آموزان در مدرسه انجام نمی‌شود. گویی اندیشیدن استعدادی است که در جریان عمل بطور خودکار بروز می‌کند. ولی مدارس و معلمان باید دانش‌آموزان را با مراحل گوناگون اندیشیدن و فرایند آن آشنا کنند تا به نحو سرگرم کننده‌ای با شیوه تفکراتشان، توانایی‌ها و ضعف‌هایشان آشنا کرده و آگاهی بر این‌ها قدم اول برای تصحیح شیوه تفکر و رسیدن به کمال مطلوب محسوب می‌شود. پس در برنامه‌های آموزشی تفکر را باید آموزش داد و آن را تقویت نمود.

تطبیق و سازگاری با تحولات اجتناب ناپذیر جهانی در جوامع امروز، نیازمند طراحی و اجرای برنامه های درسی جدید و اتخاذ راهبردهای جدید و رویکردهای تازه در برنامه ریزی درسی و راهکارهای نوین در شیوههای آموزش و اجرای آن برنامه‌ها است. بازنگری مداوم در نظام‌های آموزشی با توجه به تحولات اجتماعی تهیه می‌شود و باید منعکس کننده این تحولات باشد. همان‌طور که کلیه امور زندگی بشر در حال تغییر است نظام‌های برنامه درسی نیز برای هماهنگی با شئون زندگی جامعه باید تغییر کند. ناگزیر در بحث تدریس و یادگیری نیز تغییر محتوای کتب و موضوعات درسی ضروری است و پس از اعمال تغییرات لازم در متن کتب و محتوای درسی باید شیوه های جدیدتری نیز برای اجرای این تغییرات

در عمل پیاده کرد. زیرا در دنیای متحول امروزی الزاماً باید نظام‌های آموزشی را به طور مناسب تغییر داد.

دوره ابتدایی یکی از دوره‌های بااهمیت در نظام آموزش و پرورش است زیرا زمینه و شرایط شکل‌گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد در این دوره فراهم می‌شود. آموخته‌های دوران کودکی پایه و اساس تجارب آینده هر فرد است. در برنامه درسی ابتدایی باید تجربیاتی را برای کودک به منظور کسب تفکر فراهم نمود و دستیابی به تفکر یکی از اهداف آموزش است. و این هدف باید در سرتاسر برنامه درسی ابتدایی نفوذ کند.

برنامه درسی در حقیقت وسیله‌ای است که از طریق آن فراگیران درباره مسائل و موضوعات مختلف به تفکر و تأمل و جستجوی راه حل‌های صحیح و مناسب می‌پردازند و بیشتر از آن فراگیران مسئله و موضوعات خاص مدنظر باشند، آشنایی با نحوه برخورد تفکر صحیح در ارتباط با مسائل و جستجوی راه حل‌های آن‌ها مدنظر است. طراحی برنامه درسی فعالیتی است که به شناسایی عناصر برنامه درسی و تصمیم‌گیری درباره نحوه روابط بین آن‌ها می‌پردازد. برنامه درسی باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شوند که دانش‌آموزان مهارت‌های مختلف تفکر را کسب نمایند و برای نیل به این امر مهم در نظام ۳-۳-۶ در پایه ششم ابتدایی درسی به نام تفکر و پژوهش طراحی شده است تا بتواند نیازهای بچه‌ها را برطرف نماید. که این برنامه به لحاظ چیستی، دو موضوع با دو مفهوم و کارکرد متفاوت نیست این برنامه به دنبال پرورش تفکر و تعقل است که بطور فطری در کودکان وجود دارد. فرایند پرورش تفکر از حیث دستیابی به نتیجه گستره‌ای از فرایند محوری را در برمی‌گیرد؛ بدین معنا که در برخی برنامه‌ها فقط فرایند فکر کردن مهم است و رسیدن به پاسخی یکسان مد نظر نیست.

در برنامه درسی ملی ابزار شناخت و معرفت حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه معرفی شده است که در این میان تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد. در برنامه درسی ملی صلاحیت‌ها و مهارت‌هایی در پرورش تفکر و تعقل مورد تأکید می‌باشند که عبارتند از: تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسشگری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت بر اساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت بر اساس شواهد تصمیم‌گیری، قضاوت بر اساس نظام معیار، تأمل در خود، خود ارزشیابی بر اساس نظام معیار. برای این برنامه اصول و اهدافی مد نظر می‌باشد. تفکر اساس

همه توانایی‌های انسان است. آغاز تفکر هنگامی است که انسان با سؤال، مسئله یا موقعیت نامعینی روبرو می‌شود. تفکر زیربنا و اساس تربیت و محور اساسی و مشترک علم و فلسفه است. مربیان بزرگ تفکر را مبنا و اساس تعلیم و تربیت قرار می‌دهند و رشد قوه تفکر را هدف عمده موسسات تربیتی تلقی می‌کنند. در این کتاب به طراحی برنامه درسی تفکر در دوره ابتدایی بر اساس نظریه دیبونو پرداخته شده و مؤلفه‌های نظریه او یعنی تفکر جانبی، شش کلاه تفکر و ابزارهای کورت در قالب عناصر چهارگانه برنامه درسی به‌کارگرفته شده است.

این کتاب مشتمل بر ۴ فصل است: در فصل اول مفهوم و ماهیت تفکر از دیدگاه‌های مختلف و دیدگاه دیبونو، فصل دوم، چگونگی آموزش و پرورش تفکر با توجه به دیدگاه مربیان بزرگ و دیدگاه دیبونو و همچنین ضرورت پرورش تفکر و تعقل در برنامه درسی ملی، فصل سوم چگونگی طراحی برنامه درسی و جایگاه تفکر در برنامه درسی ملی و در فصل چهارم، به طراحی برنامه درسی تفکر مبتنی بر نظریه دیبونو (تفکر جانبی، شش کلاه تفکر و ابزارهای کورت) با توجه به عناصر چهارگانه برنامه درسی (اهداف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی) می‌باشد.